

تحلیل و بررسی نبرد با اژدها از اسطوره و حماسه تا شعر آیینی

«با تأکید بر روایت کشتن اژدها در مهد توسط حضرت علی علیه‌السلام»

رضا شجری*

دانش‌یار دانش‌کده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان، ایران (نویسنده مسؤول)

الهام عرب‌شاهی کاشی**

دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان (مدرس حوزه و دانش‌گاه)، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۸

چکیده

نبرد با اژدها یکی از مهیج‌ترین ماجراهایی است که در تاریخ اساطیری و پهلوانی، همواره کانون توجه بوده و رفته‌رفته به اشعار آیینی نیز راه یافته است؛ به‌گونه‌ای که گاه برای قهرمانان دینی نیز نبرد با اژدها و کشتن آن، یکی از افتخارات مهم قلم‌داد می‌شده است؛ چنان‌که بسیاری از شاعران آیینی از سده هفتم تا به امروز به ماجرای کشتن اژدها در مهد توسط حضرت علی (ع) اشاره کرده‌اند. قدیمی‌ترین منبع روایی این قصه، مناقب/بن شهر آشوب در سده ششم هجری است؛ اما در دیگر منابع و متون معتبر شیعه و سنی مانند شواهد التنزیل حسکانی و مناقب خوارزمی و مناقب علی بن ابی‌طالب (ع) الجلابی الشافعی به این داستان اشاره نشده است. در این پژوهش، سعی شده تا علاوه بر توجه به سیر تاریخی این داستان و حضور پررنگ اژدها در داستان‌های اساطیری-حماسی به تحلیل و بررسی داستان نبرد با اژدها در مهد توسط حضرت علی (ع) و دلایل رشد چشم‌گیر آن در شعر آیینی هم پرداخته شود. البته شهرت داستان نبرد با اژدها در حوزه ادیان الهی می‌تواند بحثی سمبولیک باشد و اژدها نماد همان دشمنان بیرونی (اهریمن، دشمنان دین و...) و درونی (نفس) باشد که تمام قدیسان دینی توانسته‌اند بر این دشمن چیره شوند و در مورد حضرت علی (ع) هم می‌تواند علاوه بر دشمن درونی شامل دشمنان بیرونی هم باشد. این داستان به سبب داشتن قالب حماسی و مفاخره‌آمیز، نه‌تنها در طول تاریخ بشریت، بلکه در حوزه شعر آیینی هم بسیار مورد اقبال قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: داستان، حماسه، اسطوره نبرد با اژدها، شعر آیینی، حضرت علی (ع).

* rshajari@kashanu. co. uk. ir

** e. arabshahi@yahoo. com

مقدمه

یکی از ماجراهای مهیج در طول تاریخ بشریت، نبرد قهرمانان و قدیسان با اژدهایان است که همواره مورد توجه خاص و عام بوده است. مجسمه‌ها، تندیس‌ها و نقاشی‌های به‌جامانده از کهن‌ترین دوران، گواهی بر این مدعا است. رد پای این ماجرا در ادیان الهی هم دیده شده است با این تفاوت که به جای پهلوانان و قهرمانان اساطیری، قدیسان و شخصیت‌های شاخص مذهبی، امر مبارزه با اژدها را بر عهده گرفتند؛ چنان‌که در برخی منابع اسلامی هم به ماجرای کشتن اژدها در گهواره به دست مبارک حضرت علی (ع) اشاره شده است. در حقیقت، «اژدهایان به دلیل آن‌که سازندهٔ حوزهٔ وسیعی از اندیشه‌های انسانی بوده‌اند در مذاهب یهود، مسیحیت و اسلام مورد توجه قرار گرفته‌اند و به‌عنوان بخشی از ستیز با شر و پلیدی و دشمنان پاکی و معصومیت، انسان را به مبارزه طلبیده‌اند. قهرمانان اژدهاکش و خدایان اساطیری به‌تدریج در صحنهٔ مذاهب، جای خود را به قدیسانی داده‌اند که نیروی مبارزه با اژدها را از مذاهب و اعتقادات خویش به دست آورده بودند و بدین ترتیب با اژدهاکشی مقدسان، هم قدرت اژدها به نمایش درآمده است و هم نیروی قدیسان؛ چنان‌که در ادب مسیحی سنت مارتا آب مقدس را بر اژدها پاشیده و او را دور می‌سازد و در کلیسای مسیحی باناند عشاء ربانی و فرشتگان و قدیسان رام نشدنی به نبرد با اژدها می‌شتابند و میکائیل، فرشتهٔ مقرب یک اژدهاکش بزرگ است که انعکاس این ماجراها در نقاشی‌ها و مجسمه‌های دورهٔ کلاسیک، قرون وسطی و رنسانس اروپا مشهود است» (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۲۶۴). اژدها در آیین‌های مقدس چین مانند «کنفوسیوس»، مفهوم نمادین مراقب کنفوسیوس و در «بودیسم» نماد روح کیهانی و در «دائوئیسم» نماد راه و خود «دائو» و در متون کهن ادب چین «شوجینگ»، نماد روح اجدادی، باروری و طلسم گران‌بها و در «فنگ‌شین-ین» نماد ویرانی است. نبرد «اپوش و ایزد تیشتر» نماد خشکسالی و دیو بازدارندهٔ باروری، «اژی‌دهاک»، «ضحاک و گرشاسپ»، نبرد سام و رستم با اژدها، نبرد اژدهای شاخ‌دار و گرشاسپ، نبرد گشتاسپ با اژدها، اسکندر با اژدها، اردشیر بابکان و کرم هفتواد، اسفندیار و اژدها، بهرام گور و گرشاسب و گندرو با اژدها در شمار مهم‌ترین نبردهای اساطیری با اژدهایان است که در همهٔ آن‌ها، اژدها نماد اهریمن و ظلم است (نائبزاده، ۱۳۸۹: ۳۳ و ۶۱).

یکی از تحلیل‌های قابل قبول دربارهٔ نبرد با اژدها این است که اژدها چه اسطوره‌ای با نمود بیرونی و فرا طبیعی باشد و چه تفسیری انتزاعی از کیفیتی درونی، مانعی است که



غلبه بر آن، مقدمه ورود به مرحله معنوی بالاتر برای سالک یا قهرمان است. در اساطیر ایران، مار و اژدها نمادی از مرگ، قحطی و بلایای اهریمنی است. پیروزی قهرمان بر اژدها گاه به گشایش در نیروهای طبیعت می‌انجامد و این گشایش می‌تواند برآیند فتح درونی بزرگی باشد که در مسیر حرکت «انسان نوعی» با نمایه بیرونی قهرمان به سوی کمال رخ داده باشد (بهنام فر و ملک پایین، ۱۳۹۲: ۵۴). بازتاب نبرد با اژدها به شخصیت‌های دینی هم رسیده و صاحب کتاب قصه حمزه در ضمن داستان چهل‌ویکم آن، به ماجرای کشتن اژدها توسط حضرت امیر حمزه در زمین خرسنه اشاره کرده است (رستگار فسایی به نقل از شعاع، ۱۳۷۹: ۲۷۹).

ماجرای کشتن اژدها در گهواره توسط حضرت علی (ع) از دیگر، داستان‌های حماسی و هیجان‌انگیز شعر آیینی است که بازتاب وسیع آن، سبب شده تا دلایل شهرت این قصه را تحلیل و تبیین کنند. فارغ از بررسی سندی و دلالی این روایت و درستی آن با توجه به دلایل نقلی و عقلی باید اذعان کرد که کثرت نقل این روایت در سروده‌های آیینی سبب شده تا مخاطبان این‌گونه ادبی، روایت مذکور را صحیح یا در شمار روایات مسلم تلقی کنند؛ درحالی‌که نتایج نشان داد کتاب مناقب ابن شهر آشوب، قدیمی‌ترین منبع ذکر این روایت است که از انس بن مالک به نقل از عمر بن خطاب این‌گونه نقل شده که حضرت علی (ع) وقتی که در گهواره دست‌هایش بسته بود ماری را دید که به طرف او می‌آمد. دست‌ها را خارج کرد و به‌گونه‌ای گردن آن مار را فشرد که مرد. با فریاد مادرش، اطرافیان جمع شدند؛ سپس به فرزندش علی (ع) عرض کرد: کآنک حیدره: گویا تو از نظر شجاعت چون شیر هستی (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ ق: ۲۸۸/۲).

در ادامه داستان نقل شده است که اثر انگشت آن حضرت در اسطوانه در کوفه و مشهد، کف او در تکریت و موصل و غیره و اثر شمشیر او در صخره جبل ثور در مکه و اثر نیزه او در کوهی از جبال بادیه و در سنگی در نزد قلعه خیبر معروف بوده است (موسوی، ۱۳۸۸: ۳۸۹-۳۹۰).

هم‌چنین برخی از ارباب روایات، این منقبت را با اندکی دخل و تصرف در جزئیات بیان کرده‌اند؛ برای مثال:

در مکه اژدهایی ترسناک ظاهر شد. حضرت علی (ع) در گهواره بودند وقتی دلیل ترس مردم را از مادر جويا شدند از گهواره خارج شده و در بیرون از محیط مکه، انگشت خود را در دهان اژدها کرده و او را دو نیم کردند از این رو به ایشان «اژدرد» گویند (اخوان ارمکی، ۱۳۸۲: ۱۹).

یکی از اسامی مشهور حضرت علی (ع) «حیدر» یا «حیدره» است که نه‌اوندی در *انوار المواجه* معتقد است این اسم در کتب قدیمهٔ پیش از تولد آن حضرت، ذکر شده است؛ چنان‌که در *حیوه الحیوان*، لقب حیدره به معنی لحیم و پرگوشت است؛ چون آن حضرت در وقت تولد، عظیم البطن بوده‌اند. در *بحار الانوار* به نقل از جابر جعفی، حیدر به معنی حازم و کثیرالنظر در دقایق اشیا و در لسان عربی به معنی شیر است؛ زیرا ایشان اشجع الناس بوده و در نبرد با مرحب خیبری فرمودند: أنا الذی سمتنی امی حیدره. به اعتقاد برخی هم مأخذ اصلی این اسم، همان روایت منقول از مناقب ابن شهر آشوب است که انس از عمر بن الخطاب نقل کرده است (نه‌اوندی، بی تا: ۲۰۶؛ الدمیری، بی تا: ۳۸۹/۱-۳۹۰؛ قمی، ۱۳۷۱: ۱۵۳).

در این پژوهش سعی شده تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- ۱- اسطورهٔ نبرد با اژدها چه تأثیری در آفرینش داستان‌های مربوط به قهرمانان دینی با محوریت اژدها کشی داشته است؟
- ۲- آبشخور حقیقی قصهٔ کشتن اژدها در مهد توسط حضرت علی (ع)، بر اساس منابع معتبر شیعه و سنی چیست؟
- ۳- انگیزهٔ راویان از بیان این‌گونه روایات چه بوده و چگونه در متون دینی- ادبی و به‌ویژه شعر آیینی گسترش یافته است؟

پیشینهٔ پژوهش: با توجه به شهرت فراوان نبرد با اژدها در اساطیر و سیر تاریخی این نبرد در ادیان الهی، پژوهش‌های فراوانی تاکنون در این باره انجام شده است، برای مثال، رستگار فسایی در کتاب *اژدها در اساطیر ایران* (۱۳۷۹) به بررسی اژدها و پیشینهٔ آن در اساطیر ایرانی و نیز بازتاب آن در برخی ادیان الهی پرداخته است. نائب‌زاده و سامانیان در مقالهٔ «اژدها در اسطوره‌ها و فرهنگ ایران و چین» (۱۳۹۴) و نیز در مقالهٔ «نقش و مفهوم اژدها در بافته‌های ایران و چین با تأکید بر دورهٔ صفوی ایران و اواخر دورهٔ مینگ و اوایل چینگ چین» (۱۳۹۵)؛ رؤیایی و حسامی و نوبری در «مطالعهٔ تطبیقی نماد اژدها در آثار هنری ایران و چین» (۱۳۹۶)، قائمی در مقالهٔ «تفسیر انسان‌شناختی اسطورهٔ اژدها و بن‌مایه‌های تکرارشوندهٔ اژدهاکشی در اساطیر» (۱۳۸۹)، بهنام فر و ملک پایین در مقالهٔ «خوانش اسطوره‌ای حکایت کشتن بهرام اژدها را و گنج یافتن در هفت پیکر» (۱۳۹۲)، به بررسی وجه سمبولیک و نمادین اژدها و بازتاب نبرد با اژدها و افسانه‌های اژدهاکشی پرداخته‌اند. البته پایان‌نامه‌هایی هم در این زمینه انجام گرفته که برای مثال، نائب‌زاده در



پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی تطبیقی نقش و مفهوم اژدها در هنرهای سنتی ایران و چین (۱۳۸۹) به نقش و مفهوم اژدها در ادبیات اساطیری، فرهنگ و باورهای عامیانه و هنرهای سنتی ایران و چین پرداخته است؛ اما تاکنون درباره روایت کشتن اژدها در مهد توسط حضرت علی (ع) در مجموعه اشعار آیینی، هیچ اثر مستقلی انجام نشده است. تنها در کتاب *حمله حیدری با نگاهی به حماسه‌های دینی* (۱۳۹۵) ضمن اشاره به این روایت آن را از داستان‌های برساخته عامه در محاورات تفتنی دانسته است.

اهمیت این پژوهش آن است که نگارندگان، نه تنها به بررسی اسطوره اژدها در متون کهن باستانی پرداخته‌اند؛ بلکه به تحلیل دلایل شهرت روایت کشتن اژدها در مهد در شعر آیینی بر اساس منابع معتبر روایی شیعه و سنی نیز توجه داشته و با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، به بازتاب این واقعه در شعر آیینی و دلایل شهرت آن پرداخته‌اند.

بحث و بررسی

۱- بررسی و تحلیل سیر تاریخی داستان نبرد با اژدها از اسطوره تا شعر آیینی

اژدها یکی از عناصر مهم در داستان‌های اساطیری و حماسی است و بیش‌تر نماد اهریمن و شومی بوده و در شمار عنصری سمبولیک، آیینۀ تمام‌نمای زندگی اقوام و ملت‌ها شده است. عنصر اژدها در اساطیر جهان به جز چین، نماد شومی و اهریمن است که با قدمتی کهن در متونی مانند عهد عتیق تورات در باب هفتم سفر خروج، عهد جدید (انجیل شریف) در مکاشفۀ ۱۱ و ۱۲ در فصل دوازدهم، قرآن کریم، *اوستا*، *مروج‌الذهب* مسعودی، *عجایب‌المخلوقات* طوسی و نیز *عجایب‌المخلوقات* زکریا محمد بن محمود المکنونی القزوینی، تاریخ طبری، *تذکره‌الاولیا*، *کلیده‌ودمنه*، *مرزبان‌نامه* و *قابوس‌نامه* و در آیین‌هایی مانند «کنفوسیوس»، «بودیسم» و «دائوئیسم» ذکر شده است (نائب‌زاده، ۱۳۸۹: ۲-۲۵). داستان نبرد با اژدها در طول تاریخ از شهرتی فراوان برخوردار بوده؛ چنان‌که رد پای آن در عرصه شعر آیینی هم دیده می‌شود. *دیوان حسن کاشی* (شاعر قرن ۶ و ۷ هجری)، قدیمی‌ترین اثر ادبی است که علاوه بر ماجرای کشتن اژدها به کشتن تمساح نیز اشاره کرده است:

گهی به طفلیت او می‌درد ز هم ثعبان گهی به بحر و جزایر همی‌کشد تمساح

(کاشی، ۱۳۸۹: ۷۷)

در *علی‌نامه* (۴۸۲ ق) که قدیمی‌تر از اثر کاشی است، تنها به نام «حیدره» اشاره شده است اما اثری از این قصه نیست.

در مجلس دوم از حرب جمل آمده است:

همه رای آن جست تا چون کند
که با حیدره دعوی خون کند
(ربیع، ۱۳۹۰: ۱۱)

در این باره، دو احتمال وجود دارد:

الف) هیچ اثری از این قصه در قرن ۵ نبوده و تنها شاعر با توجه به شهرت این اسم در متون اسلامی آن را آورده است.

ب) یا این که در آن زمان هم این داستان مشهور رواج داشته و شاعر با در نظر داشتن شهرت قصه از نقل آن خودداری کرده است؛ گاهی نیز شاعر با توجه به برخی روایات اختلافی از لقب «شیر گیر» استفاده کرده است؛ چنان که در علی نامه از زبان «کریب» درباره حضرت علی (ع) نقل می‌کند:

به پاسخ چنین گفت آن خیره‌سر
که ای مهتر از بهر این غم مخور
همین بود کام دلم ای امیر
که کردم هم‌اورد آن شیر گیر
(ربیع، ۱۳۹۰: ۱۸۲)

البته شاعران آیینی بسیاری به این ماجرا اشاره کرده‌اند؛ برای مثال:

آن طفل شیردل که به توفیق ایزدی
در عهد مهد کرد شکار اژدها علیست
(ابن یمین فریومدی، بی تا: ۴۰)
در مهد درید اژدر بی شبهه ز دم تا دم
گو باش خوارج را اهمال بتحسینا
(جیحون یزدی، ۱۳۶۳: ۲۷)

محتشم نیز در دیوان خود آورده است:

شاه خیر گیر اژدر در امام بحر و بر
ناصر حق غالب مطلق امیرالمؤمنین
(محتشم کاشانی، ۱۳۷۰: ۳۰۱)
بد به گهواره که اژدر را درید
حیدر صفر امیرالمؤمنین
(مشجری و قنادزاده به نقل از قاضی اسدالله
کوهپایه‌ای، ۱۳۵۰: ۸۴/۱)

برای نمونه‌های بیش‌تر بنگرید: (حزین لاهیجی، ۱۳۷۸: ۶۴)؛ (امامت کاشانی، ۱۳۶۳: ۱۷۹)؛ (فراهی کاشانی، ۱۳۴۹: ۲۰۷/۱)؛ (مشجری و قنادزاده، ۱۳۵۰: ۱/۶۴)؛ (نصیری، ۱۳۸۱: ۹۱)؛ (عاطفی به نقل از علی محمد بیضایی، ۱۳۷۹: ۲۲).

گاهی نیز شاعر برای فضیلت تراشی بیش‌تر و اسطوره‌سازی به جزئیات اژدها هم اشاره کرده است؛ در حالی که در سند اصلی این روایت، اصلاً به جزئیات اژدها مانند طول چهارصد گزی و دهان بیست گزی آن اشاره نشده است؛ برای مثال:



از قضای خدای عالمیان
چارصد گز درازی آن مار
هر دو چشمش چو مشعل سوزان
بود دندان او چهار وجب
مرغ اگر رو به سوی او بردی
بود در مکّه از دری پنهان
هر یکی شاخ هم چو شاخ چنار
همچو کوهش سر و چو غار دهان
دهنش بیست گز لب تالب
از هوایش به دم فرو بردی»
(طاهری برزکی و باغ میرانی، ۱۳۹۵: ۸۶)

نیز داعی آرانی با اندکی دخل و تصرف، آورده است:

شاهان کنند شیوه غلامی قنبرش
گر التفات جانب قنبر کند علی
شش ماهه بود اژدر صدساله بر درید
در مهد ناز چاره اژدر کند علی
(آرانی، ۱۳۸۳: ۳۴۹)

آرانی هم حضرت علی (ع) را شش ماهه و اژدهای مذکور را صدساله دانسته است؛ در حالی که در هیچ یک از منابع معتبر و قدیمی این مسأله تأیید نشده است. در کتاب *حمله حیدری با نگاهی به حماسه های دینی ضمن تحلیل منظومه فارغ نامه حسین فارغ گیلانی*، در تحلیل محتوای این اثر به برساختگی این گونه داستانها اشاره کرده و با نگاهی منتقدانه می گوید: «غالب حوادث و جنگ های فارغ نامه تخیلی است و نشان می دهد که شاعر استعدادی اندک در سرودن اشعار دارد؛ اما اطلاعات او غالباً مجلسی و سماعی است، آن هم نه در مجلس فضلا و بزرگان بلکه شاعر بیش تر در محافل عامه مانند قهوه خانه ها و خانقاه ها که در قرن دهم و یازدهم اتفاقاً کم هم نبوده است، حضور می یافته و قصه ها را به هم می بافته است مثلاً مار یا اژدهایی که به پندار او به وسیله حیدر کرار در گهواره از هم دریده می شود از داستان های برساخته عامه در محاورات تفنی است» (طاهری برزکی و باغ میرانی، ۱۳۹۵: ۸۶).

برخی هم علاوه بر کشتن اژدها از بستن بازوی شیر در گهواره یاد کرده اند:

عمر بن عبدود از دست تو غلتان شده در خون
چون دو نیمش بنمودی به یقین دست خدایی
بازوی شیر ببستی تو ز گهواره و کودک
دست دیوان تو ببستی و تو بازوی خدایی
اژدهایی که خطر داشت دو نیمش بنمودی
وزن میزان عدالت گرچه خود سحر گشایی
(تتماج، ۱۳۹۱: ۱۹)

گاهی شاعران آیینی برای بالا بردن تأثیر حماسی ماجرا به اصل روایت هم افزوده و سن حضرت را در لحظه دریدن اژدها شش ماهگی، چهار روزگی و... بیان کرده اند؛ در حالی که در مناقب اصلاً به سن حضرت اشاره نشده است؛ برای مثال:

چون که بود او مظهر حی قدیر
داد سلمان را نجات از دست شیر

چار روزه بود آن دست خدا در میان مهد بدرید ازدها
(معمدی کاشانی، ۱۳۸۷: ۲۹۸)

البته شاعران دیگری مانند عطار نیشابوری، هاتف اصفهانی و اهلی شیرازی، صحبت لاری، قآنی، عاشق اصفهانی و مشتاق نائینی، یغمای جندقی و غیره هم در دیوان‌های خود به این داستان اشاره داشته‌اند و این بازتاب وسیع نشان‌دهنده شهرت فراوان این قصه در افواه عموم است (موسوی گرمارودی، ۱۳۹۳: ۳۲). در این جا لازم است تا این روایت از حیث دلایل عقلی و نقلی، ارزیابی شود.

۲- بررسی دلایل عقلی و نقلی روایت نبرد با ازدها در مهد

۲-۱- بررسی دلایل عقلی

اخبار ضدونقیضی درباره این روایت بیان شده است؛ برای مثال، با توجه به ابعاد خانه حضرت علی (ع) در بدو تولد و حضور ازدهای چهارصدگزی در آن، مبارزه تن‌به‌تن کودک چهارروزه یا شش‌ماهه در گهواره با چنین ازدهایی و عدم شهرت این داستان در منابع معتبر اسلامی، سبب شده تا با معیار عقل بشری سازگار نباشد؛ هرچند وجود کرامت و خرق عادت‌هایی از این قسم به دست انبیا و اولیای الهی امری دور از ذهن نیست.

۲-۲- بررسی دلایل نقلی

بعد از پژوهش‌های فراوان درباره این روایت، نگارندگان احتمال می‌دهند که کتاب *مناقب ابن شهر آشوب* (قرن ششم) قدیمی‌ترین منبع ذکر این روایت است و در حال حاضر، منبع قدیمی‌تری در دسترس نیست. درباره بررسی سندی و دلالتی روایت از حیث نقلی هم نمی‌توان برای این روایت، سلسله راویانی در نظر گرفت تا ضعف یا توثیق رجال آن بررسی شود. این روایت فقط از انس بن مالک به نقل از عمر بن الخطاب ذکر شده است و فاصله زمانی بین نقل این روایت در قرن ۲ هجری از عمر بن الخطاب تا ذکر این روایت در کتاب *مناقب*، چندین قرن فاصله زمانی است و اطلاع یافتن از درستی حدیث مذکور به دلیل افتادگی آغازی، میسر نیست (عرب‌شاهی کاشی، ۱۳۹۸: ۷۰-۷۵). با توجه به این که زبان اسطوره، زبانی نمادین و رازگونه است، کوشش برای بررسی سندی و دلالتی این ماجرا، کاری عبث بوده و باید برای این قسم از اسطوره‌سازی‌ها در خصوص پهلوانان دینی مانند سایر اسطوره‌ها، به جنبه سمبولیک آن‌ها توجه کرده و مبارزه با ازدها، نماد مبارزه با نفس یا دشمن بیرونی قلم‌داد شود.



۳- بررسی دلایل شهرت فراوان این روایت نزد عوام و بازتاب آن در شعر آیینی
دلایلی فراوان برای شهرت این روایت نزد عوام‌الناس و بازتاب آن در شعر آیینی وجود
دارد که در این جا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۱- میزان تأثیر قصه‌گویان و جریان قصه‌گویی بر این داستان در سال‌های آغازین هجرت

نهاد نوپای قصه‌گویی اسلامی در طول قرن اول و دوم هجری پیوسته رشد کرده و کانون
اولیه آن در آغاز ظهور اسلام، مسجد بود. خلفای اسلامی هم تمایلی فراوان برای شنیدن
قصه‌ها به‌ویژه با رنگ‌وبوی پندآمیز و دینی داشتند و نخستین کسی که قصه‌گویی را آغاز
کرد عبید بن عمیر در روزگار عمر بن خطاب بود. قصه‌گویان عموماً در قالب دو گروه
سنت‌گرایان و نوگرایان یا بدعت‌گذاران تقسیم شدند که همت اصلی سنت‌گرایان ترس و
انذار مردمان و انگیزه نوگرایان لذت و سرگرمی شنوندگان بود (ابن‌جوزی، ۱۳۸۶). چنان‌که
ابن قتیبه هم در *تأویل مختلف الحدیث*، هدف قصه‌گویان را از نقل این داستان‌ها و
افسانه‌های محیرالعقول و باورنکردنی، جلب توجه عوام دانسته است (ابن‌قتیبه، بی‌تا: ۲۷۹/۱).
به‌عبارت‌دیگر، سنت قصه‌گویی مسلمین به‌مثابه درختی است که از یک‌سو در باورهای
روایی عرب جاهلی و از سوی دیگر در سنت‌های قصه‌گویی تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیگر،
مثل ایران و روم و مصر و هند، ریشه دارد که در طی زمان حدوداً چهارصد سال، ذیل
هویتی واحد به نام اسلام به ثمر نشست. رواج انواع باورها درباره شیاطین، جن و جانوران
چندسر در مکان‌هایی عجیب در قالب قصه/شعر، گواه آمیختگی بنیادینی است که سازنده
روح غالب فرهنگ و ادب عهد جاهلی است و کم‌کم منبع اصلی روایت‌های مورخان را
می‌سازد و گاه چیرگی آن بر ذهن و زبان عموم روایت‌گران موجب اعتراض شدید گروهی با
دیدگاه عقلی و اعتدالی می‌شود (ابن‌جوزی، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۶). پس احتمالاً ماجرای کشتن اژدها
به دست حضرت علی (ع) در گهواره می‌تواند در شمار قصه‌های نوپای اسلامی باشد که در
قرن‌های آغازین هجرت رواج یافته است؛ چنان‌که طبق سند روایت، عمر بن خطاب راوی
این ماجرا است و با استناد به ترجمه کتاب *القصاص و المذکرین* از ابن‌جوزی (۱۳۸۶)
می‌توان گفت که عمر خطاب در شمار یکی از مهم‌ترین قصه‌گویان صدر اسلام و در شمار
قصه‌گویان نوگرا قرار داشته است.

۲-۳- تأثیر مناقب خوانان بر نقل روایت کشتن اژدها در گهواره توسط حضرت

علی (ع)

با توجه به سیر تاریخی حیات مناقب‌خوانان و اثرپذیری آنان از مسائل سیاسی عصرشان، می‌توان حدس زد که روایاتی مانند کشتن اژدها در گهواره، به همت مناقب‌خوانان در برخی مناطق ایران منتشر شده و شاعران آن‌ها را بر سر بازارها برای سرگرمی می‌خوانده‌اند؛ چنان‌که این بدعت در حقیقت از زمان امویان و مروانیان پایه‌گذاری شده که مشتی افراد بددین را جمع کرده تا با جعل حکایات دروغ و اسطوره‌سازی‌های بی‌اساس در حق پهلوانان شاهنامه مانند رستم و اسفندیار، زمینه‌ای فراهم کنند تا دل‌آوری‌های حضرت علی (ع) را نادیده بگیرند و بر رشادت‌های ایشان سرپوش بگذارند؛ چنان‌که در کتاب *النقض* هم در جواب این‌که «رافضیان این‌همه مناقب خوانند تا عوام‌الناس و کودکان دیگر طوائف را از راه ببرند و فرا نمایند که آن‌چه علی کرده است مقدور هیچ آدمی نبود و صحابه همه دشمن علی بودند» نقل کرده است این‌که «مناقب برای فریفتن عوام و کودکان دیگر طوائف خوانند دروغی ظاهر و بهتانی عظیم است؛ زیرا اگر غرض آن بودی نباید در قم و کاشان و آبه و مازندران که همگی شیعه هستند این قدر رواج می‌داشت، پس غرض مناقیبیان و فضائلیان، کسب مقصود باشد» (قزوینی رازی، ۱۳۳۱: ۴۳-۴۴).

البته با توجه به مقدمه کتاب *علی‌نامه*، از لحن تند مؤلف بعضی *مثالب الروافض* می‌توان دانست که اهل سنت چه دل‌پرخونی از این مناقب‌خوانان داشته و معتقدند که مناقب‌خوانان در بازارها جمع شده و همه وقیعت صحابه پاک و خلفای اسلام و غازیان دین خوانده و صفات تنزیه‌ی خاص خدای جل جلاله و قصه معجزات پیغامبران خدای را به شعر درآورده و به علی ابن ابی‌طالب نسبت می‌دهند (ربیع، ۱۳۸۸: سی‌ودو؛ سبحانی، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۶).

۳-۳- الهام از قرآن کریم و سایر کتب آسمانی و الگوسازی برای ائمه اطهار

علیهم‌السلام

تسلط بر اژدها و تسخیر آن از جمله مباحث مهمی است که حتی در قرآن کریم هم در خصوص معجزات موسی (ع) در سوره طه ضمن آیات ۱۷-۲۰ و برخی از سوره‌های دیگر، ذکر شده است.

در کتب آسمانی مانند قرآن کریم و تورات، اژدها، نمادی از قدرت الهی و از حیث شکل ظاهری به صورت موجودی جنبنده، با قدرت بلعنندگی است. اژدها در انجیل نمادی از



شیطان، بسیار خشمگین، با رنگ سرخ، دارای هفت سر و ده شاخ است و بر هر شاخ یک نیم تاج قرار دارد. در *اوستا* هم جزو خرفستران و نمادی از اهریمن است که بر روی شکم خزیده، چابک با پوزه و سه کله و شش چشم، زرین پاشنه، شاخ دار و بلعنده است (نایب زاده، ۱۳۸۹: ۳۲).

وجود این پیش‌زمینه‌های ذهنی و میل بشر به اسطوره‌سازی به‌ویژه در مورد بزرگان تاریخ و از جمله رجال دین، سبب شده تا با الهام از معجزات پیامبران بزرگ الهی، روایاتی مانند کشتن اژدها در گهواره توسط حضرت علی (ع) در بین توده مردم رواجی چشم‌گیر پیدا کند.

۳-۴- احتمال ترکیب لفظ عربی «حیه» به معنی مار در ترکیب با پسوند

فارسی «در»

یکی از القاب مشهور حضرت علی (ع) در منابع اسلامی «حیدره» به معنی شیر است. با توجه به بازتاب این اسم و برابر فارسی آن در شعر آیینی، می‌توان وجه تسمیه دیگری هم برای آن در نظر گرفت که بدین شرح است: در احتمال نخست، این‌که واژه مرکب از واژه «حیه» به معنی مار و «در» به معنی درنده در نقش صفت فاعلی مرکب مرخم و های غیر ملفوظ نسبت باشد که در مجموع به معنای درنده اژدها (مار) است. در شماری از منابع شیعی و سنی وجه تسمیه «حیدره» این‌گونه ذکر شده که فاطمه بنت اسد، در بدو تولد فرزندشان در غیاب ابوطالب او را اسد نامید؛ اما وقتی ابوطالب بازگشت از این نام اکراه داشته و او را علی نامید. از این رو حضرت علی (ع) در روز خیبر ضمن رجزخوانی برای دشمن، خود را حیدره نامیدند که در حقیقت حیدره، لقبی است که مادر حضرت (ع) در بدو تولد برای ایشان انتخاب کردند.

چنان‌که ابن ابی الحدید هم در شرح *نهج البلاغه* این نام را برگزیده مادر حضرت علی (ع) دانسته است (رسولی محلاتی، ۱۴۰۴: ۳۴/۱؛ نیز بنگرید: ابن مزاحم، ۱۴۰۴: ۳۹۰؛ طبری آملی کیبیر، ۱۴۱۵: ۳۵۱؛ ابن مغزلی، ۱۴۱۲: ۱۷۸؛ صفار و کوچه‌باغی، ۱۴۰۴: ۹۹/۱؛ ابن حیون، ۱۴۰۹: ۱۷۹/۳؛ خطیب خوارزمی، ۱۳۷۵: ۴۳؛ الدمیری، بی‌تا: ۲۷۳/۱؛ العطاردی، ۱۳۹۳: ۴۲/۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۵۹: ۱۱، صابری یزدی، ۱۳۹۴: ۳۴). به عبارت دیگر، «حیدره» از طریق حدیث صحیح رسیده است و هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در صحت این انتساب از جانب مادر حضرت به ایشان نیست (موسوی همدانی، ۱۳۸۲: ۶۴)؛ چنان‌که مجلسی هم در باب سی و نهم *حیوه القلوب* در داستان فتح خیبر از زبان حضرت علی (ع) در پاسخ به رجزخوانی مرحب آورده است: «منم آن‌که مادرم مرا حیدره نام کرده است مانند شیر ژیان قدم به میدان گذاشته‌ام شما را مانند دانه کیل می‌کنم

و برمی دارم» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۴/۱۱۱۹). در کتاب *مناقب مرتضوی* هم به عبارت مشهور «انا الذی سمتنی امی حیدره/ ضرغام آجام و لیث و قسوره» به معنی: «منم که مادرم مرا حیدره نامید منم شیر بیشه‌ها»، اشاره شده است (حسینی کشفی ترمذی، ۱۳۸۰: ۳۹۴). در حقیقت، اعطای لفظ «حیدره» از طرف مادر به آن حضرت، دارای شهرت روایی است. در بیت ذیل، به «حیه در» اشاره شده است:

آنکه در گهواره اژدر کشت در شش ماهگی
صاحب عنوان حیه در شد آن حیدر علی است
(موسوی آرانی، ۱۳۷۹: ۸۳)
حیدر صف در، شه عنترکش خیرگشای
سرور غالب، سر مردان امیرالمؤمنین
(وحشی بافقی، ۱۳۸۶: ۲۰۷)

۳-۵- اثر پذیری از فرهنگ باستانی ایران و خلط قدیسان دینی با پهلوانان و

قهرمانان باستانی و میل به اسطوره‌سازی

تأثیر از فرهنگ ایران باستان و الگوسازی از قهرمانان و پهلوانان این دوره سبب شده است تا زندگی قدیسان با داستان‌های این دوره آمیخته شود و آن‌چه را در مورد اسطوره‌های باستان ذکر شده است، برای شخصیت‌های دینی هم نقل کنند. برخی نظریه‌های دین‌شناسانه، خدایان یا نیمه‌خدایان را در شمار قهرمانان اصلی اسطوره دانسته‌اند. اسطوره‌ها تفسیر نخستین از جهان و طبیعتند و بیش‌تر جنبه نظری تفکر انسان باستانی به شمار می‌رفته‌اند؛ درحالی‌که آیین‌ها و شعائر جنبه عملی آن است (رضایی، ۱۳۸۳: ۳۳). درواقع زبان اسطوره زبانی نمادین و رازآلود و با ناخودآگاهی در پیوند است و با برانگیختن و پدیدآوردن نمادهای رؤیایی و اسطوره‌ای، نهفته‌های خویش را بر ما آشکار می‌سازد. بر اساس پاره‌ای از پدیده‌های موجود در اساطیر دینی، «نیمه‌تاریخی نیمه‌اسطوره‌ای» اند؛ یعنی فلان چهره یا رخ‌داد دینی که در تاریخ دین زمان و مکانش را می‌توان یافت اندک‌اندک از ویژگی‌های اسطوره‌ای برخوردار می‌شود در حقیقت انجام کارهای شگفت مثل کشتن دیوان و پتیارگان را تنها قهرمانان نمادین اسطوره انجام می‌دهند. این‌گونه پدیده‌ها برزخی و دوگانه‌اند. یعنی پایی در زمین تاریخ و دستی بر آسمان اسطوره دارند؛ زیرا واقعیت‌های برونی و تاریخی به‌تدریج به پدیده‌هایی درونی و نمادین و اسطوره‌ای بدل می‌شوند و اسطوره مایه‌های خویش را اندک‌اندک از تاریخ می‌ستاند (کزازی، ۱۳۷۶: ۱۲۳ و ۵۸-۵۹؛ سیگال، ۱۳۹۴: ۶۹؛ پرون، ۱۳۸۱: ۱۸۰).



الکساندر کراپ در شمار یکی از محققان اسطوره‌پژوه، نقل می‌کند: از دیرباز، گرایش انسان به اسناد شهبوات و دردها و رنج‌ها و فضایل و رذایل خود به جانوران و مخلص کلام قائل شدن جان و روانی انسانی برای آنان، خصلت عمومی اسطوره است (کراپ، آبراهام، مالیونوفسکی، کازنوو و استروس: ۱۳۷۷: ۵۵؛ کرتیس، ۱۳۷۳: ۱۵؛ پی‌یر گریمال و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۰).

اژی در لغت به معنی مار و هم‌تای آن در سانسکریت آهی است که در *اوستایی* این واژه، دخیل است. اسطوره مار کهن و پیشینه آن به روزگاران هندواروپایی بازمی‌گردد در اسطوره‌های یونانی نیز پهلوانان بزرگ، هراکلس، پتیاره‌ای سه سر را به نام گریونئوس از پای درمی‌آورد (کزازی، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۷۵؛ عیفی، ۱۳۸۳: ۵۰۱؛ کرتیس، ۱۳۷۳: ۹، جان‌گری، ۱۳۷۸: ۶۷ و ۲۱۲؛ یوسفی، ۱۳۹۴: ۴۵؛ آموزگار، ۱۳۸۸: ۵۶؛ کزازی، ۱۳۷۶: ۱۳۶).

اسطوره اژدهاکشی عنصر مرکزی در اسطوره آفرینش بابلی است. این اسطوره مبنای افسانه پرسوس و آندرومدا، افسانه هرکول و هشت پای لرنیان، افسانه زیگفرید و فافنیر، افسانه بیوولف و گرنندل شده است. اسطوره اژدهاکشی در نمایش مذهبی ژرژ قدیس و اژدها هنوز زنده است (هوک، بی‌تا: ۲۰).

در روایت کنعانی هم از نیروهای آشفتگی (کائوس) که شهرباری بعل را تهدید می‌کنند، همانند مراسم آیینی سال نو عبرانیان به عنوان «مار آغازین» یاد می‌شود و این سرآغاز شیطانی است که به هیأت مار، حوا را می‌فریبد و توسط فرشته اولین، میکائیل، از آسمان رانده می‌شود (جان‌گری، ۱۳۷۸: ۲۵۴).

اژدها کمابیش در همه اسطوره‌ها نمادی گجسته، اهریمنی و زیان‌بار است که پهلوان آیینی باید آن را از میان بردارد. در نماد شناسی ایرانی، مار نشانه رازآلود اهریمن است و اژدها چونان مار بزرگ یا ماران مار بیش از هر نمادی دیگر، گجسته و اهریمنی بوده و نیروهای تباه‌کار و ویران‌گر را به نمود می‌آورد. از آن روی پهلوانان بزرگ و آیینی می‌باید با آن‌ها مبارزه کنند؛ چنان‌که در اسطوره آفرینش سومریان به اژدهایی به نام تیامات که نماد آشفتگی آغازین یا کائوس است برخورد کرده که خدای بزرگ سومری «انلیل» او را می‌کشد. در اسطوره آفرینش بابلی، کشنده این اژدها خدای بزرگ بابلیان «مردوخ» است. این اژدهای آغازین و کیهان‌شناختی در تورات «تیوم» است. در اسطوره‌های ایرانی هم گرشاسب پهلوان بزرگ آیینی اژدهای شاخ‌داری به نام زرین‌پاشنه و سام اژدهای کشف رود را از پای درمی‌آورند. فریدون بر ضحاک دست می‌یابد، فرامرز پور رستم چند اژدها را کشته و آذربرزین پورفرامرز با کوبه‌ای بهمن پسر اسفندیار را در کام اژدها همراه با خود

اژدها به چهار پاره تقسیم می‌کند و از او انتقام مرگ پدر و یورش به سیستان را می‌گیرد (کزازی، ۱۳۸۵: ۲/ ۳۹۸-۳۹۹؛ بهار، ۱۳۷۵: ۲۳۴-۲۳۹).

برای بزرگ‌ترین پهلوانان شاهنامه، یعنی رستم و اسفندیار، هفت‌خان‌هایی ذکر شده که کشتن اژدها در خان سوم، برای هر دو نفر مشترک است (کزازی، ۱۳۸۵: ۶۸/۲)؛ برای مثال در خان سوم جنگ رستم با اژدها آمده است:

بگریــــد آن اژدهــــای دژم	همی آتش افروخت گفـتی به دم
چو زور و تن اژدها دید رخش	کز آن سان برآویخت با تاجبخش
...بمالید گوش؛ اندر آمد شگفت	بکند اژدها را به دندان دو کفت
بدرید کفتش به دندان چو شیر	بر او خیره شد پهلوان دلیر
بزد تیغ و انداخت از تن سرش	فروریخت چون رود، زهر از برش

(فردوسی، ۱۳۶۹: ۲۷/۲)

هنوز هم رد پای این‌گونه داستان‌ها در ادب فولکلریک جای دارد؛ چنان‌که نقل شده، در حوالی قریه «هنگو» مکانی در نزدیکی پاریز، اژدهایی سنگی دیده شده که مردم اعتقاد داشتند، قرن‌ها پیش دو دختر در طلب آب برای مادر پیر و بیمارشان به نزدیکی چشمه رفتند با دیدن اژدهایی که از دهان و چشمانش آتش می‌بارید بی‌اختیار، یا علی گفتند به مدد نیروی غیبی، مولا علی (ع) با ضربه ذوالفقار، اژدها را به سنگ بدل کردند (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱: ۴-۶).

البته مرتضی مطهری یکی از عوامل نفوذ تحریف را اغراض دشمنان و تمایل بشر به اسطوره‌سازی و افسانه‌سازی در طول تاریخ می‌داند؛ زیرا همواره در بشر حس قهرمان‌پرستی هست که در اثر آن درباره قهرمان‌های ملی و دینی افسانه می‌سازد (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۸/۱).

۳-۶- کارکرد عرفانی-تمثیلی روایت نبرد با اژدها در مه‌د

گاهی اسطوره‌سازی‌هایی از این سنخ در قرن چهارم و پنجم هجری در زندگی‌نامه عرفای بزرگی مانند ابوسعید ابی‌الخیر به چشم می‌خورد که بیش‌تر جنبه عرفانی-تمثیلی دارد؛ چنان‌که خواجه بوعلی فارمدی از چیرگی ابوسعید بر اژدهایی بزرگ در راه بازگشت از طوس به میهنه یاد کرده است (محمد بن منور، ۱۳۹۰: ۱۸۳). شفیع کدکنی در نقد این داستان‌ها می‌گوید: «در این‌گونه کرامات هیچ امر غیرطبیعی و خرق‌عادت‌ی به معنی تصرف در قوانین حاکم بر طبیعت وجود ندارد و عقیده من آن است که بوسعید با اشرافی که بر



ضمایر داشته، به‌عنوان مشهورترین صاحب کرامت در میان مردم شهرت یافته و اندک‌اندک دیگران قصه‌هایی از قبیل تحت فرمان داشتن درندگان و اژدها و امثال آن را برافزوده‌اند اگر از سمبولیسم اژدها و شیر - که اژدها نفس آدمی است و تسلط بر آن اژدها از هر اژدهای دیگری دشوارتر است و شیر رمز ولی و شیخ است شیخ چون شیر است و دل‌ها بیشه‌اش - بگذریم و این کلمات را در همان معنی ظاهریش بفهمیم تصور من آن است که این قصه‌ها افزوده دیگران است که بعد از مرگ ابوسعید داخل زندگی‌نامه او شده است» (محمد بن منور، ۱۳۹۰: نودونه).

در مثنوی معنوی هم در قالب تمثیلی زیبا، نفس را به اژدهایی با ماهیت دوزخی تشبیه کرده که بزرگ‌ترین دشمن درونی انسان است چنان‌که در بیت ذیل آمده است:

ای شهان کشتیم ما خصم برون	ماند خصمی زو بتر در اندرون
کشتن این کار عقل و هوش نیست	شیر باطن سخره خرگوش نیست
دوزخست این نفس و دوزخ اژدهاست	گو به دریاها نگردهد کم‌وکاست

(فروزان‌فر، ۱۳۸۰: ۴۸۴/۱)

پس می‌توان برای این روایت، نوعی کارکرد تمثیلی در نظر گرفت و اذعان داشت که شاید دریدن اژدها در گهواره نوعی تمثیل روحانی باشد. به‌عبارت‌دیگر، مار تمثیل نفس اماره و دنیا تمایلات پست نفسانی باشد که در بدو تولد، توسط آن حضرت، طرد شده و خود حضرت (ع) هم سمبل پهلوانی راستین بوده است که توانسته‌اند بر اژدهای نفس چیره شوند؛ برای مثال:

پارسایی بین که دیو نفس در دست علی
صعوه را ماند که در چنگ عقاب افتاده است

(رسا، ۱۳۷۴: ۷۹)

اژدر نفس ای برادر خفته بر بالای گنج
گنج خواهی باید اول وضع اژدر داشتن
گنج پر گوگرد احمر اژدر آن را پاسبان
دفع اژدر کردن و گوگرد احمر داشتن

(صفایی اصفهانی، ۱۳۶۲: ۱۰۷)

صرف‌نظر از بررسی سندی و دلالتی این داستان، برای کسی که دارنده لقب اشجع‌الناس در بین عرب و عجم است و در شمار نخستین فرد ایمان آورنده به پیامبر (ص) در عصر جاهلیت بوده، خبیرشکن، کشنده پهلوانانی مشهور مانند عمرو بن عبدود و مرحب خیبری بوده و در شب لیل‌المبیت بدون هیچ ترس در بستر پیامبر (ص) خفته، در بیش‌تر غزوات با ذوالفقار و دست یداللهیش، صحنه‌هایی خارق‌العاده را رقم زده، کشتن اژدها یا هر حیوان خارق‌العاده دیگر، کاری غیر ممکن نخواهد بود. در تعبیر سمبولیک هم اژدها رمز شر،

شومی، اهریمن و حتی در نگاه وسیع‌تر نفس اماره دانسته شده است که باز هم هیچ پهلوان در کشتن این اژدها، توانمندتر از آن حضرت نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

از دیرباز، نبرد با اژدهایان در شمار یکی از مهم‌ترین داستان‌های اساطیری و حماسی بوده که کم‌کم از مرز اسطوره و حماسه فراتر رفته و به عرصهٔ ادیان بزرگ الهی مانند اسلام، مسیحیت و یهود راه پیدا کرده است، با این تفاوت که این بار به جای پهلوانان و قهرمانان حماسی و اساطیری، قدیسان بزرگ الهی پا به عرصه گذاشته و با نبرد نمادین خود با اژدها که سمبولی از شر و خواسته‌های نفسانی است، سعی داشته‌اند تا با این نبرد سهمگین، زمینهٔ بازگشت انسان را به فطرت پاک ازلی خویش فراهم کنند. نبرد با اژدها فقط یک داستان صرف حماسی یا اساطیری نیست؛ بلکه بیان‌گر مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و آرمان‌های انسانی است که ریشه در باورها و اعتقادات اقوام جهان دارد؛ چنان‌که رد پای این نبرد به حوزهٔ شعر آیینی هم باز شده و روایت کشتن اژدها در گهواره توسط حضرت علی (ع) در آن، بازتاب وسیعی داشته است. قدیمی‌ترین منبع ذکر این داستان، مناقب/بن شهر آشوب است. در شعر آیینی هم دیوان حسن کاشی (در سدهٔ ۷ ق) قدیمی‌ترین منبعی است که به این ماجرا اشاره کرده و البته برخی هم به این ماجرا، شاخ و برگ داده؛ درحالی‌که در منابع روایی، به آن‌ها اشاره نشده است. به عبارت دیگر، کوشش برای رد یا پذیرش این داستان از حیث عقلی و نقلی، کاری عبث است؛ مگر آن‌که برای این قسم از اسطوره‌سازی‌ها برای پهلوانان دینی مانند سایر اسطوره‌ها، جنبهٔ سمبولیک در نظر گرفته و مبارزه با اژدها را نماد مبارزه با نفس یا دشمن بیرونی بدانیم؛ زیرا به‌طور کلی، زبان اسطوره، زبانی نمادین و رازآلود است. بررسی دلایل احتمالی رشد چشم‌گیر این داستان و سیر تاریخی آن نشان داد که مواردی مانند جریان قصه‌گویی در صدر اسلام و به‌ویژه رواج کار قصاصان از زمان بنی‌امیه، مناقب‌خوانی بر سر بازارها، الگوپذیری از داستان انبیای الهی در قرآن کریم، ترکیب بودن لفظ «حیدره» از «حیه»، «در» و پسوند‌های غیرملفوظ، میل بشر به اسطوره‌سازی و نیز توجه به کارکرد تمثیلی و عرفانی این قصه می‌تواند از مهم‌ترین دلایل شهرت این قصه در شعر آیینی باشد. برای این قصه دو احتمال می‌توان در نظر گرفت: نخست آن‌که، هرچند برای رواج این قصه در قرن ۵ ق، منبعی در دست نیست؛ اما امکان دارد این داستان در متنی که چندان مهم نبوده برای نخستین بار آمده یا این‌که آن متن در طی قرون متمادی از بین رفته باشد و دیگر آن‌که هرچند مدرکی مستند برای آن



در طول تاریخ به دست ما نرسیده؛ اما نمی‌توان صد در صد آن را رد کرد. از سویی گزارش‌ها و استنادات تاریخی دربارهٔ نبرد با اژدها سبب شده تا این روایت، بسیار مورد توجه قرار گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم

- ابن ابی الحدید معتزلی (۱۳۹۵). *علی علیه السلام چهره درخشان اسلام*، ترجمه علی دوانی، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن. (۱۳۸۶). *قصه و قصه‌گویی در اسلام*: *القصص و المذکرین*، ترجمه مهدی محبتی، تهران: چشمه.
- ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۴۰۹). *شرح الاخبار فی فضائل الائمہ الاطهار علیهم السلام*، جلد سوم، مصحح محمدحسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین قم.
- ابن قتیبه (بی تا). *تأویل مختلف الحدیث*، تحقیق محمد النجار، بیروت- لبنان.
- ابن یمین فریومدی. (بی تا). *دیوان اشعار ابن یمین فریومدی*، به تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی راد، بی جا: کتابخانه سنایی.
- اخوان ارمکی، احمد. (۱۳۸۲). *فضایل و مناقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام از نظر خاصه و عامه*، قم: حق‌بین.
- آرانی (داعی)، ملاحسن. (۱۳۸۳). *دیوان قصاید*، به اهتمام حبیب‌الله سلمانی آرانی، قم: نورالسجاد.
- استروس، لوی؛ مالینوفسکی، کراپ، الکساندر؛ کازنوو، ژان؛ آبراهام، کارل. (۱۳۷۷). *جهان اسطوره‌شناسی*، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی.
- اکبری تتماج، حسین. (۱۳۹۱). *گلزار اکبری*، کاشان: خاطرات قلم.
- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۸). *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: سمت.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. (۱۳۷۱). *ازدهای هفت‌سر*، تهران: کتاب درنا.
- البکری مکی حنفی (اخطب خوارزمی)، ابوالموید محمد. (۱۳۷۵). *المناقب خوارزمی*، شرح و ترجمه چاپ دوم، موسسه فرهنگی انتشاراتی سامه.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). *پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و دوم)*، تهران: آگه.



- بهنام فر، محمد و مصطفی ملک پایین. (۱۳۹۲). «خوانش اسطوره‌ای حکایت کشتن بهرام اژدها را و گنج یافتن در هفت‌پیکر»، *نشریه پژوهش‌های ادبی*، شماره ۴۰، صص ۳۹-۶۲.
- پرون، استیوارد. (۱۳۸۱). *اساطیر رم*، ترجمه محمدحسین باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- جیحون یزدی. (۱۳۶۳). *دیوان جیحون یزدی*، به کوشش احمد کریمیس، تهران: نشریات «ما».
- حزین لاهیجی، محمد علی بن ابی‌طالب. (۱۳۷۸). *دیوان حزین لاهیجی*، به تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کار، تهران: سایه.
- حسینی الترمذی کشفی، محمد صالح بن عبدالله. (۱۳۸۰). *مناقب مرتضوی: در مناقب شاه اولیاء امیرالمؤمنین علی مرتضی علیه‌السلام*، به تصحیح کوروش منصوری، تهران: روزنه.
- حسینی منش، سید محمدتقی. (۱۳۷۹). *پرتوی از خورشید پرفروغ امام علی (ع) در آثار استاد شهید آیت‌الله مطهری (ره)*، قم: سبط اکبر (ع).
- حکیم صفایی اصفهانی. (۱۳۶۲). *دیوان اشعار حکیم صفای اصفهانی*، به سعی و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، بی‌جا: اقبال.
- خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۳). «آسیب‌شناسی جامعه دینی»، *پایگاه مجلات تخصصی نور*، *ضمیمه خردنامه همشهری*، شماره ۴۱، صص ۲۱-۲۲.
- ربیع. (۱۳۸۸). *علی‌نامه: منظومه کهن*، مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی و محمود امیدسالار، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب موسسه مطالعات اسماعیلیه.
- رسا، قاسم. (۱۳۷۴). *دیوان دکتر قاسم رسا*، مشهد: رستگار.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). *اژدها در اساطیر ایران*، تهران: توس.
- رسولی محلاتی، سید هاشم. (۱۴۰۴ ه. ق). *زندگانی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع)*، تهران: علمیه اسلامیة.
- رضائی، مهدی. (۱۳۸۳). *آفرینش و مرگ در اساطیر*، تهران: اساطیر.

- رؤیایی، حمیدرضا، وحیده حسامی و فاطمه نوبری. (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی نماد
اژدها در آثار هنری ایران و چین»، *سومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران*
(<https://civilica.com/doc/770651>)
- سبحانی، جعفر. (۱۳۹۱). *فروغ ولایت تاریخ تحلیلی زندگانی امیر مؤمنان
علی (ع)*، قم: موسسه امام صادق (ع).
- سپهر، میرزا محمدتقی. (۱۳۹۳). *گزیده نواسخ التواریخ*، مجموعه ۷ جلدی، قم:
دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- السروی المازندرانی، ابی جعفر محمد بن علی (ابن شهر آشوب). (۱۴۱۲ ق). *مناقب
آل ابی طالب*، تحقیق و فهرست د. یوسف البقاعی، الجزء الثانی، بیروت- لبنان
دارالاضواء.
- السروی مازندرانی، محمد بن علی (ابن شهر آشوب). (۱۳۷۹ ه. ق). *مناقب آل ابی
طالب*، دوره ۴ جلدی، قم: علامه.
- سیگال، رابرت آلن (۱۳۹۴)، *اسطوره*، مترجم احمدرضا تقاء، تهران: ماهی.
- الشافعی الشهیر بابن مغزلی، ابی الحسن علی بن محمد. (۱۴۱۲-۱۹۹۲). *مناقب
الامام علی بن ابی طالب (ع)*، بیروت - لبنان: دارالاضواء.
- صابری یزدی، علی رضا. (۱۳۹۴). *هزار حدیث در فضایل امام علی (ع)*، ترجمه
محمدرضا انصاری محلاتی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طاهری برزکی، مرتضی و محسن باغ میرانی. (۱۳۹۵). *حملة حیدری با نگاهی به
حماسه‌های دینی*، کاشان: مرسل.
- عاطفی، افشین. (۱۳۷۹). *تولای علی*، کاشان: وابسته به موسسه هم‌راهان قلم.
- عرب‌شاهی کاشی، الهام. (۱۳۹۸). «تحلیل و آسیب‌شناسی شعر آیینی شاعران
کاشان از سده ششم تا امروز»، *رساله دوره دکتری (PHD)*، استاد راهنما رضا
شجری، مشاوران عبدالله موحدی حب و رضا روحانی، رشته زبان و ادبیات
فارسی، دانش‌کده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان.
- العطاردی، الشیخ عزیز الله. (۱۳۹۳). *مسند الامام امیر المؤمنین ابی الحسن
علی ابن ابی طالب (ع)*، تهران: عطارد مرکز فرهنگی خراسان.



- عفیفی، رحیم. (۱۳۸۳). *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*، تهران: توس.
- فراهی کاشانی، عزیز الله. (۱۳۴۹). *خوشه‌ای از خرمن ادب: در مدایح و مراثی چهارده معصوم پاک سلام‌الله علیهم اجمعین و اشعار مذهبی دیگر*، جلد اول، بی‌جا: چاپ‌خانه شرکت سهامی طبع کتاب.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۹)، *شاهنامه*، دفتر دوم، به تصحیح جلال خالقی مطلق، کالیفرنیا: مزدا.
- فروزان‌فر، محمدحسن (بدیع‌الزمان). (۱۳۸۰). شرح مثنوی شریف (جزو نخستین و دوم از دفتر اول)، تهران: علمی و فرهنگی.
- فروغی جهرمی، محمدقاسم. (۱۳۸۵). *نی‌نامه خورشید: مجموعه نوحه و مرثیه‌های عاشورایی*، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- قائمی، فرزاد. (۱۳۸۹). «تفسیر انسان‌شناختی اسطوره اژدها و بن‌مایه تکرارشونده اژدها کشتی در اساطیر»، *جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق)*، پیاپی ۱۷۱، شماره ۴، صص ۱-۲۶.
- القزوینی الرازی، نصیرالدین ابی‌الرشید عبدالجلیل ابی‌الحسین بن ابی‌الفضل. (۱۳۳۱). *ه. ش. النقض بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، تصحیح جلال‌الدین حسینی ارموی، قم: دارالحدیث کتاب‌خانه قم.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۷۱). *منتهی الآمال*، تهران: کتابچی.
- کاشی، حسن بن محمود. (۱۳۸۹). *دیوان حسن کاشی*، به کوشش سید عباس رستاخیز، تهران: کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- کرتیس، وستا سرخوش. (۱۳۷۳). *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۵). *نامه باستان: ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی*، جلد دوم (از پادشاهی نوذر تا پایان رستم و سهراب)، تهران: سمت.
- گری، جان. (۱۳۷۸). *اساطیر خاور نزدیک (بین‌النهرین)*، ترجمه باجلان فرخیم. ح، تهران: اساطیر.
- گریمال و دیگران، پی‌یر. (۱۳۹۶). *انسان و اسطوره*، تهران: هیرمند.

- متخلص به ربیع. (۱۳۹۰). *به‌گزین علی نامه*، گزینش، مقدمه و شرح لغات سید علی موسوی گرمارودی، تهران: میراث مکتوب.
- محتشم کاشانی، کمال‌الدین علی. (۱۳۷۰). *دیوان مولانا محتشم کاشانی*، به کوشش مهر علی گرکانی، بی‌جا: کتاب‌خانه سنائی.
- مشجری، احمد و احمد قناده زادهٔ کاشانی. (۱۳۵۰). *نغمه‌های کاشان*، جلد اول، قم: چاپ‌خانه پیرو.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۶). *حماسهٔ حسینی*، تهران: صدرا.
- معتمدی کاشانی، سید حسین. (۱۳۸۷). *سروده‌های سنتی (مدایح و مرثی)* *اهل بیت علیهم‌السلام*، قم: قلم مکنون.
- موسوی آرائی، سید علی اصغر. (۱۳۷۹). *دیوان سید شهاب موسوی آرائی*، مقدمه عباس بهنیا، کاشان: محتشم.
- موسوی گرمارودی، سید مصطفی. (۱۳۹۳). *آیینۀ خدا: امیرالمؤمنین حیدر علیه‌السلام در شعر فارسی*، قم: مرکز نشر هاجر وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران.
- موسوی همدانی، محمدباقر. (۱۳۸۲). *علی (ع) در کتب اهل سنت*، تهیه و تدوین احمدرضا کشوری، تهران: پورشاد.
- موسوی، سید محمدمهدی. (۱۳۸۸). *تاریخ انبیا: از آدم تا خاتم و زندگانی و معجزات چهارده معصوم (علیهم‌السلام) و آداب و سنن اسلامی و دستورات شرع مطهر*، تهران: جمهوری.
- میهنی، محمد بن منصور بن ابی سعد بن طاهر بن ابی سعید. (۱۳۹۰). *اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.
- نایب زاده، راضیه. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی نقش و مفهوم اژدها در هنرهای سنتی ایران و چین»، *پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد*، استاد راهنما صمد سامانیان، مشاور امیرعباس محمدی راد، گروه صنایع دستی، دانش‌کده تجسمی-کاربردی، دانش‌گاه هنر اصفهان.



- نایب زاده، راضیه و صمد سامانیان. (۱۳۹۴). «اژدها در اسطوره‌ها و فرهنگ ایران و چین»، فصل‌نامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، دوره ۱۱، شماره ۳۸، صص ۲۳۷-۲۷۱.
- نایب زاده، راضیه و صمد سامانیان. (۱۳۹۵). «نقش و مفهوم اژدها در بافته‌های ایران و چین با تأکید بر دوره صفوی ایران و اواخر دوره مینگ و اوایل چینگ چین»، نشریه مطالعات تطبیقی هنر، دوره ۶، شماره ۱۱، صص ۶۹-۸۴.
- نصیری، علی‌اکبر. (۱۳۸۱). گنجینه نصیری، با مقدمه عباس بهنیا، تهیه و تدوین مصطفی باقری مفرد، کاشان: مرسل.
- نهاوندی، شیخ علی‌اکبر. (بی‌تا). انوارالمواهب نهاوندی، بی‌جا: کتاب‌فروشی محمودی.
- هوک، ساموئل هنری. (بی‌تا). اسطوره‌های خاورمیانه، مترجمان علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور، تهران: روشنگران.
- وحشی بافقی، کمال‌الدین. (۱۳۸۶). دیوان وحشی بافقی، به کوشش پرویز بابایی، تهران: موسسه نشر نگاه.
- یوسفی، سمیه. (۱۳۹۴). اساطیر ایران، مشهد: اسپندگان.